



۲۰۱۳/۰۱/۲۲

داکتر عبدالرحمن زمانی

## سرگذشت مرحوم سیدشمس الدین خان مجروح و مطالب چندی پیرامون حوادث ذکر شده در آن

(قسمت اول)

درین اواخر سه کتاب (سرگذشت من، مجموعه مقالات و مجموعه اشعار) مرحوم پاچا صاحب سید شمس الدین خان مجروح، شخصیت شناخته شده فرهنگی و سیاسی کشور، به همت و کوشش آقای سید فضل اکبر چاپ شده است. نشر این آثار ده سال بعد از وفات مشرمرجوح صاحب قابل تقدیر میباشد و من این موفقیت فرهنگی را برای آقای سید فضل اکبر پاچا تبریک میگویم.

شادروان سید شمس الدین مجروح در دوران سلطنت در پُست های مهم مشرانو جرگه (مجلس عیان)، سفارت، وزارت قبایل، وزارت عدلیه و معاونیت صدارت کار نموده و خاطرات و سرگذشت شان جالب و خواندنیست. مرحوم مجروح صاحب در مقدمه خاطرات شان تحت عنوان سخنی چند با خوانندگان مینویسند که «شما فکر خواهید کرد که سرگذشت من برای شما چه دلچسپی خواهد داشت که خود را به آن مشغول سازید؟ مگر بخاطر داشته باشید که درین سرگذشت بعضی از حوادث نیم قرن اخیر افغانستان هم اجمالی موجود است، این نظر اجمالی به حوادث برای شما خالی از دلچسپی نخواهد بود. شما اختیار دارید با نظریه من موافقه کنید یا نه...» ایشان افزوده اند که «مثلیکه در تاریخ، واقعات تاریخ را باید از غیر تاریخی جدا کرد، یعنی باید اهم [مهمتر] را از مهم تفریق کرد، و آنچه را ارزش گفتن دارد باید گفت و آنچه را ارزش آنرا ندارد باید مسکوت گذاشت، در سرگذشت هم باید عین این کار را کرد. اهمیت حوادث نظر به نتایج آن است و نظر به ارتباط آن به حال و نظر به انتظار مردم به شنیدن آن است.»

از آنجائیکه خاطره نویسی خود تاریخ نگاری نیست، اما غالباً تاریخ نویسان ما میتوانند از آن استفاده کنند، و خود مرحوم مجروح صاحب نیز راجع به شباهت های سرگذشت و تاریخ صحبت نموده اند، میخواهم برای روشن ساختن بیشتر علل حوادث مهمی که در رابطه با زندانی شدن و شهادت غازی میرزمان خان کنری در سرگذشت شان ذکر شده مطالب و اسناد چندی را خدمت هموطنان عزیز تقدیم کنم.

### مبارزات مسلحانه ضد انگلیس و علت زندانی شدن غازی میرزمان خان

مرحوم مجروح صاحب در سرگذشت خود (ص ۴۱) نوشته اند که میرزمان خان به اتهام یک واقعه جنائی در زمان امیر حبیب الله خان محبوس شد و بعد از فوت امیر حبیب الله خان توسط امان الله خان با محبوسین سیاسی و سرکردگان قومی از حبس رها و برای شرکت در جنگ استقلال سوق داده شد.

در رابطه با زندانی شدن میرزمان خان کنری در دوران سلطنت امیر حبیب الله خان باید گفت که گرچه میرزمان خان کنری مانند آزادیخواهان و دیموکراتان انفرادی دیگر با مشروطه خواهان دربار و آنانی که بدور تاسیسات فرهنگی چون مکتب حبیبیه جمع شده بودند، ارتباطی نداشت، اما با دشمنی فطری که با استعمار انگلیس داشت، از آوان جوانی با مبارزان آزادی طلب و افغانان رزمنده سرحد آزادکه علیه انگلیس ها قیام و اعلان جهاد نموده بودند، روابط نزدیک برقرار نموده و در پیکار معروف ضد انگلیسی سال ۱۹۰۸ میلادی که در تاریخ بنام «سره غزا» ثبت شده است، بحیث یکی از سران مبارزین ضد انگلیس شرکت نمود و نامش در افغانستان و آنسوی خط تحمیلی دیورند خصوصاً در ایالت سرحدی شمال غربی هند بریتانوی ورد زبان ها گشت. همین شهرت و دشمنی با انگلیس ها باعث شد تا با شهزاده جوان عین الدوله «امان الله خان» آشنا شود، آشنایی که با گذشت زمان و آزمون های متعدد به دوستی عمیقی تبدیل شد و تا آخر عمرشان ادامه داشت. (۱)

د پانو شمیره: له ۱ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاډونه: دليکني د ليکنيزي بني پاوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

به گواهی اسناد رسمی انگلیس (۲)، نایب السلطنه هند بریتانوی «لاردمینتو» در رابطه با قیام ۱۹۰۸ مهندبه امیر حبیب الله خان اطلاع داده و خواست تا جنگجویان مسلحی را که از قلمرو افغانستان آمده و در جنگ اشتراک دارند، فوراً برگرداند و در آینده هم از آمدن ایشان جلوگیری کند. امیر حبیب الله خان با گرفتن پیغام مؤرخ ۲۴ اپریل در جوابیه تاریخ ۵ می به او اطمینان داد که به مامورینش احکام جدی صادر کرده تا شدیداً از عبور افراد از سرحد جلوگیری کنند، اگر چه این کار نسبت موجودیت راه های ناشناخته شده متعدد بصورت قطعی امکان پذیر نیست. امیر همزمان با فرستادن این نامه ملاها و روحانیون را از منطقه مهمند و افریدی احضار کرد و برایشان در محضر عام اعلام نمود که با همکاری ایشان در مبارزات مردم مهمند مخالف است. امیر همچنان کسانی را که درین جنگ اشتراک نموده بودند به کابل فرستاده تحت مراقبت قرارداد.

اما غازی میرزمان خان، طوری که دیده خواهد شد، ازین دستور امیر حبیب الله خان سرپیچی نموده و به عبور از خط دیورند و شرکتش در حملات مسلحانه بر قوای انگلیس ادامه داد، تا آنکه تحت مراقبت و پیگرد حکومت امیر قرار گرفت و به بهانه و دسیسه ای بازداشت و روانه زندان شد. وی بعداً به ضمانت آزاد شد و به کنرها برگشت، ولی دیری نگذشته بود که دوباره بازداشت و روانه زندان شیرپور گشت. میرزمان خان کنری اینبار تا کشته شدن امیر حبیب الله خان در زمستان سال ۱۹۱۹ برای مدت بیش از چهار سال در زندان بسر برد. (۳)

### شرکت روحانیون در جنگ های ضد انگلیسی مناطق سرحد آزاد

در اوایل سلطنت امیر حبیب الله خان، در مبارزات مسلحانه ضد انگلیس مردم کنر، روحانیون متنفذ منطقه که پیروان و خلفای مرحوم ملا نجم الدین آخندزاده معروف به ملا صاحب «هده» بودند، مثل شیخ پاچا صاحب اسلام پور (میرصاحب جان پاچا)، میا صاحب سرکانی (میا محمد اکبرشاه) و پاچا صاحب تیرگری (سیدحضرت شاه پاچا پدر سید شمس الدین خان مجروح) نقش عمده داشتند. مرحوم ملا فیض محمد کاتب هزاره در وقایع ماه ربیع الاول سنه ۱۳۲۶ مطابق با اپریل ۱۹۰۸ میلادی از مکتوبی که میرصاحب جان معروف به شیخ پاچا صاحب بتاریخ یازدهم ربیع الاول به میان صاحب سرکانی نگاشته بود یادآور میشود. درین مکتوب نوشته شده بود که «اگر چه بلوای عام و ازدحام تام مردم کشوری است نه جهاد شرعی و امر پادشاهی، بایست مردانه کوشید و نام ملت را بلند کرده مخالف دین را خاطر نژند ساخت.» کاتب علاوه میکند که ازین نوشته او عموم مردم زیاد تر روانه پیکار گردیده آتش جنگ را به اشتعال آوردند... دلیران روز میدان جنگ کوداخل بر بازار شبقدر تاخته و یکصدوهشتاد تن از سپاه نظام که به حراست و استحکام آن قیام داشتند، به مدافعت پرداخته اغلب از نصف تعداد ایشان بهدفع تیر تنگ جان ستان گشتند، و دلیران گداحیل [کوداخل-زمانی] بازار را آتش زده تمام بسوختند». (۴)

مرحوم کاتب هزاره مینویسد که «حضرت والا [امیر حبیب الله خان] از عریضه محمد اکبر خان کرنیل، مقیم موضع سرکانی، بر واقعات مستوره آگاه شده، در روز یکشنبه هجدهم ربیع الاول [مطابق با ۲۰ اپریل ۱۹۰۸] به او رقم فرمود که متوجه و مجد بوده از احاد و افراد سپاه نظام کسی را نگذارد که با غزاه شریک جنگ شود، زیرا شامل شدن فوج نظام در حرب، دولت را مورد اعتراض و دچار اشکالات میکند و اعداد رعیت که خودسرانه و بی اجازت اقدام در جنگ کرده و میکنند و گوش به اندرز و نصیحت دولت نداده و نمیدهند و ترک محاربت با دولت متعهد و محب نکرده و نمیکند و اگر زیاد تر به مقام زجر و منع ایشان برآمده شود، فتنه در داخل مملکت به روی روز آمده، با دولت طریق مخالفت و عداوت خواهند برداشت. پس ایشان را از آهنگ ایشان باز نباید داشت». (۵)

دلیل اینکه حکومت امیر حبیب الله خان چرا بعضی ازین غازیان مثل غازی میرزمان خان کنری را بجرم شرکت در غزاهای ضد انگلیسی بازداشت ننموده و بعداً برایشان دسیسه و بهانه های دیگر تراشید، نفرت مردم از استعمار انگلیس و همین ترس امیر از اغتشاش مردم علیه رژیم او بود.

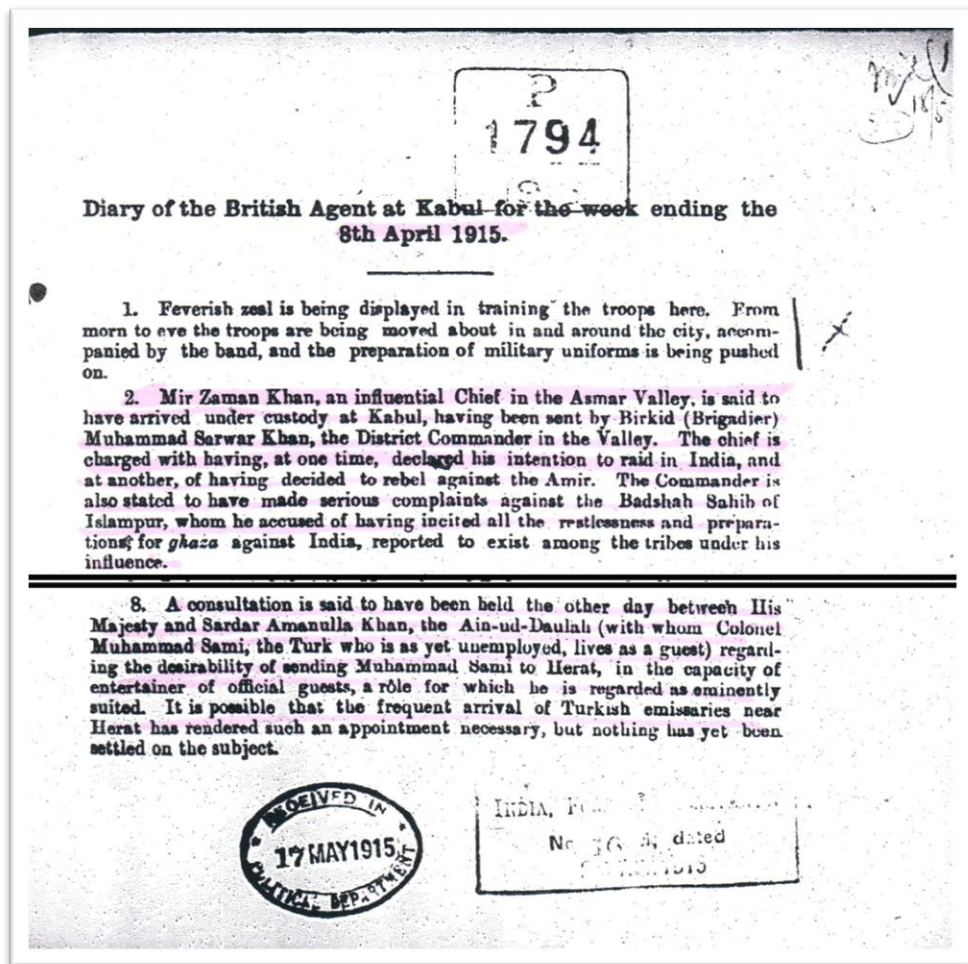
### جلوگیری امیر حبیب الله خان از حملات افغانها در سرحد آزاد

مرحوم فیض محمد کاتب هزاره جریان فشار حکومت و دست کشیدن روحانیون متنفذ کنر از شرکت در جنگ های علیه انگلیس را چنین ذکر نموده است که «مکاتیب میرصاحب جان، معروف به شیخ پادشاه، از کهسار مهمند مینی بر تحریک غزا به نام مأذونها و خلفای آخندزاده نجم الدین مرحوم و میان صاحب سرکانی و سید حضرت شاه تگری برخلاف مکتوبات حضرت بتخاکی رسیده، چون نوشته بود که تمامت مردم را گرد آورده به عزم جهاد رهگرا و پانهاد کوهستان مهمند شوند و میان صاحب و [سید] حضرت [شاه پاچا] تگری در سرکانی با هم ملحق و ملاقی شده، ترانه ساز جهاد و انبار غزا گشتند و زبردست خان برگد نظامی از عزم و اراده هردوتن آگاه گردیده به ایشان نیش که : «بی امر و اجازت پادشاه اقدام در غزا نکنند، زیرا دولتین افغانستان و انگلیس رشته معاهدت و موادحت با هم منعقد

و مرتبط دارند و آن دولت حمل این شورش را بر این دولت کرده به ناقض عهدش نسبت دهند و تا آن دولت نقض عهد نکرده و امیر اسلام امر ننماید، شرعاً با انگلیس غزا درست نباشد. و ایشان از نوشته برگد زبردست خان در سرکاتی توقف گزیده، دیگر مردم را نیز از رفتن در کهسار مهمندیه بازداشته مانع شدند.» (۶)

نویسنده جلد چهارم سراج التواریخ احکام ترک جهاد امیر حبیب الله خان به برگد زبردست خان و عبدالرحمن خان قائم مقام حاکم جلال آباد راجنین نقل میکند: «مردم تبعه این دولت را از جنگ بازدارند و خود را شامل تحریک و ترغیب ایشان به جهاد نکنند و به میرصاحب و حضرت تگری پیام دهند که چون دولت افغانستان با دولت انگلیس رشته پیمان در میان دارد، تا وقتی که آن دولت نقض عهد نکند و پای تجاوز پیش ننهند، قرار امر شرع مطهر، غزا و دفاع جایز نیست و از حضور هم درین خصوص امری صدور نیافته است، پس تا زمانی که دولت انگلیس در حدود متصرفه و مستعمره خود بوده، اقدام در تجاوز نکند، ایشان را باید که مرتکب کار ناهنجاری نشوند و غرباً و فقراً را فراهم آورده بی موجب به قتل ندهند.» (۷)

من درکتایی از یک افغان محترم ما خواندم که «میرزمان خان... در دوره سلطنت حبیب الله خان آدم کله شیخ و آشوبگر شناخته شده و چار بار توقیف گردیده بود.» بد نیست درینجا از جمله اسناد متعدد محرمانه استخبارات انگلیس (آرشیف هند بریتانوی) چند سندی را ذکر کنیم که علت اصلی زندانی شدن میرزمان خان کنری را، که نویسنده محترم آنرا آشوبگری نامیده است، نشان میدهند:



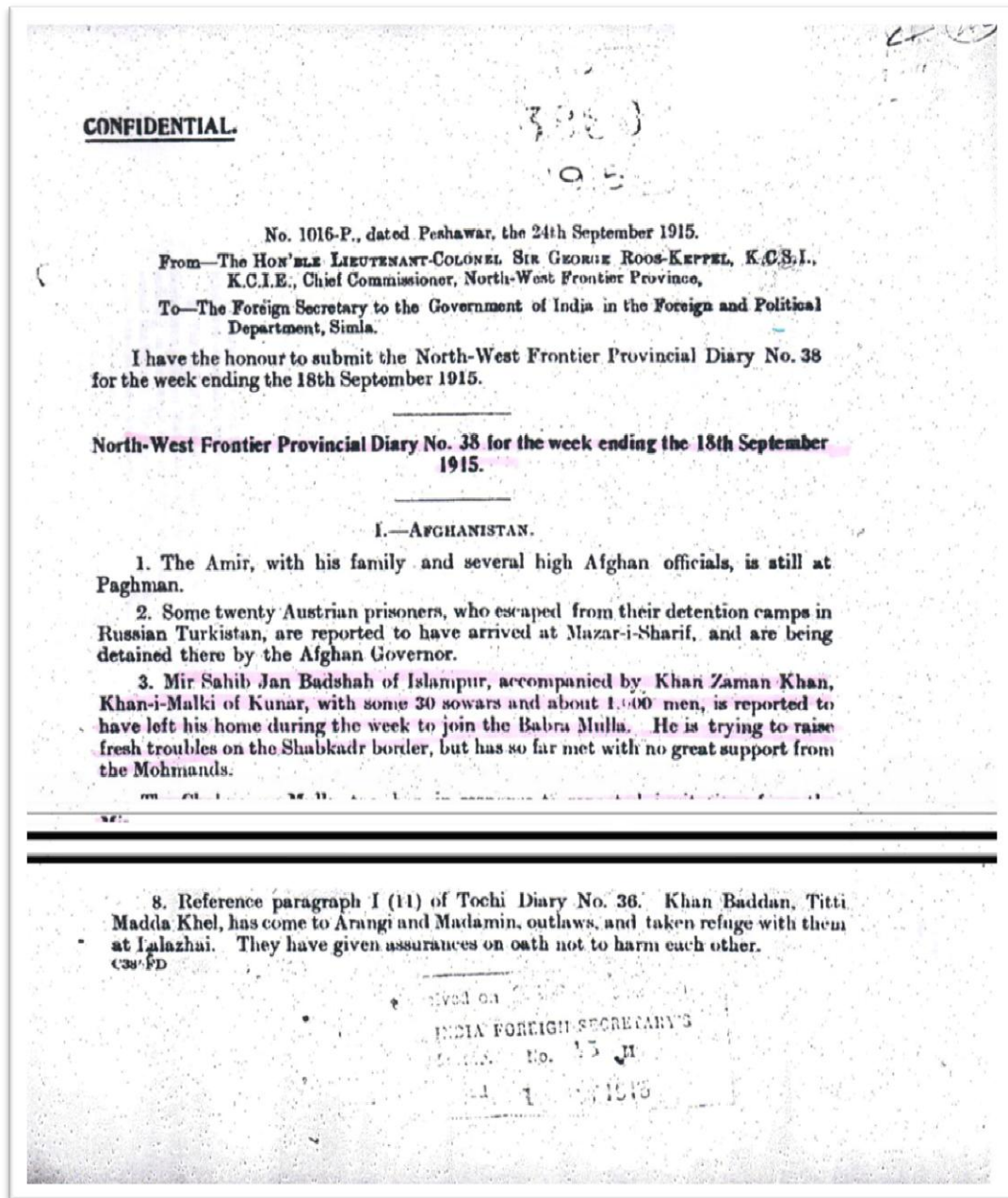
درفقره دوم راپور محرمانه عامل انگلیس ها در کابل (برای هفته که بتاریخ ۸ اپریل ۱۹۱۵ به پایان رسیده)، میخوانیم که «گفته میشود میرزمان خان، یکی از سران متنفذ دره اسمار، که توسط برگد (لوامشر) محمد سرور خان قوماندان بخش آن دره تحت الحفظ فرستاده شده بود، وارد کابل شده است. این پیشوا متهم است که در یک مورد اراده

د پانو شمیره: له ۳ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

حمله بر هند را داشته است و در مورد دیگر تصمیم گرفته است علیه امیر بغاوت کند. گفته میشود که قوماندان همچنان از بادشاه صاحب اسلامپور هم شدیداً شکایت نموده و او را به تحریک تمام ناآرامی ها و آماده گی موجود برای غزا علیه هند، طوری که در اقوام تحت نفوذش گزارش داده شده است، متهم ساخته است.»

غازی میرزمان خان بعد از ضمانت نقدی ده هزار ( ۱۰۰۰۰ ) افغانی آزاد شد، اما دشمنی با استعمار انگلیس و عشق به آزادی او را واداشت تا اخطار های امیر حبیب الله خان را نادیده گرفته، به سرحد آزاد رفته و بر شهرک عسکری انگلیس ها در شبقدر حمله کند.



در فقره سوم راپور ماه سپتمبر همان سال انگلیس ها چنین میخوانیم که « میرصاحب جان پاچای اسلامپور به همراهی خان زمان خان، خان ملکی کتر با ۳۰ نفر سواره و تقریباً هزار مرد، درین هفته برای یکجا شدن با ملای بابر، از

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

خانه های خود حرکت کرده اند. ملای بابره میکوشد در سرحدات شبقدر مشکلات تازه ایجاد کند، اما تا حال کدام کمک کلانی را از مومند ها بدست نیاورده است.»

بعد از آنکه امیر حبیب الله خان بر سران جنگجویان فشار آورد تا از جنگ دست برداشته و فوراً به کابل بروند، غازی میرزمان خان باز از فرمان شاه سرپیچی نموده، و برای ادامه جنگ با انگلیس و تلافی کمبود لشکر، دست به کار شد.

6

3. Reference paragraph XI (5) of Diary No. 47 of 1915. The full *jirgas* of Agra and Mishta came to Malakand on the 21st instant and were interviewed by the Political Agent, and an offensive and defensive alliance between them and the Swat *jirgas* was arranged. In return for help from Ranisai, when necessary, the Agra and Mishta *jirgas* agreed to prohibit the trans-Swat Utman Khel from coming across the river, and if they come in too great strength, timely warning will be sent to the Political Agent. This agreement is to be ratified in the Pir Baba Ziarat near Totakan, which is the most revered shrine in Ranisai.

4. Reference paragraph XI (7) of Diary No. 47. The *lashkar* referred to has dispersed. It is reported that the *lashkar* at Navi numbered over 600 and that about 3,000 men from the neighbourhood were also about to join Mirzaman when the Brigadier at Asmar received warning from Jalalabad that he would be held responsible for the *lashkar's* acts. He thereupon hurried to Seo and made Mirzaman disperse his following. Badshah Sahib of Shinkorak is said to have warned the Naib Sipah Salar of Jalalabad of Mirzaman's action and himself forbade his *Muwids* to join the *lashkar* on pain of excommunication.

XII.—ARMS TRAFFIC.

Nil.

XIII.—MISCELLANEOUS.

Nil.

PESHAWAR;

The 3rd December 1915.

E. H. KEALY,

Secretary to the Chief Commissioner,  
North-West Frontier Provinces.

در فقره چهارم سند سوم انگلیس ها درین رابطه چنین میخوانیم « به حواله پاراگراف یازدهم یادداشت شماره ۴۷. لشکری که به آن اشاره شده است، متفرق گشته است. راپور ها حاکیست که لشکر "ناوه" به ۶۰۰ نفر رسیده و ۳۰۰۰ (سه هزار نفر) قرار است به میرزمان بپیوندند. به لوامشر اسمار از جلال آباد اخطار داده شده است که اگر جلو این لشکر را نگیرد، شخصاً مسؤل شناخته خواهد شد. او بعد از آن به منطقه "سار" شتافته و از میرزمان خواست تا لشکر را پراکنده کند. گفته میشود که پاچا صاحب «.....» از فعالیت های میرزمان خان به نایب سپه سالار جلال آباد اطلاع داده و خودش مرید های خود را از پیوستن به لشکر و عذاب کفر(؟) منع کرده است.»

(ادامه دارد)

مأخذ

۱. حلمی، محمد ولی (۱۹۹۰). زمونبر غازیان: د نومیالیو ملی مبارزینو د ژوندانه حالات. دافغانستان د علومو اکادمی، کابل، ص ۱۹۸

د پانو شمیره: له ۵ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

۲. Summary of the Administration of Lord Minto, No. 16, p 14 .

۳. اخلاص، عبدالخالق (۲۰۰۵م). داستقلال څلورمه جبهه (د حبيب الله رفيع سريزه، سمون، لمنې او نېلوني) دويم چاپ.. دانش كتاب خپرنځی. پېښور، ص ۹۵.

۴. کاتب، فيض محمد (۱۳۹۰). سراج التواريخ، جلد چهارم، بخش سوم، انتشارات اميرى کابل، صفحه ۳۰۲.

۴. همانجا صفحه ۳۰۷.

۵. همانجا صفحه ۳۰۹.

۶. کاتب، فيض محمد (۱۳۹۰) شمسی. سراج التواريخ، جلد چهارم، بخش سوم . انتشارات اميرى کابل ، صفحه ۳۱۱.

---

د پاڼو شميره: له ۶ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ